

دکتر آگوست کنکل، ضرب المثل ها، جلسه ششم

آگوست کنکل و تد هیلدبرانت © 2024

این دکتر آگوست کانکل در تدریس خود در مورد کتاب امثال است. این جلسه شماره شش، حکمت به عنوان درخت زندگی است. امثال ۱۳:۳-۲۰.

به درس‌های ما در مورد ضرب‌المثل‌ها خوش آمدید.

ما تعدادی از گفتگوهای کوتاه والدین با فرزندشان را در مورد حکمت برای زندگی، آنچه باید دنبال شود و راه حکمتی که ممکن است به شما در رسیدن به زندگی دلخواهتان کمک کند، مورد بحث قرار داده‌ایم. اما این گفتگوها با وقفه‌های مختلفی قطع می‌شوند. یکی از این وقفه‌ها در فصل سوم امثال سلیمان و آیات ۱۳ تا ۲۰ اتفاق می‌افتد که در آن حکمت درخت حیات نامیده می‌شود.

حال، این تصویر از حکمت به عنوان درخت زندگی، تصویری است که جای تأمل دارد، زیرا درخت زندگی دوباره در امثال ظاهر خواهد شد، همانطور که در سخنرانی‌های آینده خواهیم دید. اما همچنین، مفهوم درخت زندگی به عنوان چیزی که اساساً برای تمام راه‌هایی که خداوند خلقت خود و زندگی ما را برای عملکرد در آن نظم داده است، اساسی است، چیزی است که می‌توان آن را حکمت نامید. و ما در فصل هشتم به آن خواهیم پرداخت.

بنابراین، این بخش کوچک در امثال، فصل سوم، آیات ۱۳ تا ۲۰، در واقع به فصل‌های آینده مربوط می‌شود. حال، ایده درخت حیات در امثال آغاز نمی‌شود. در اینجا به عنوان تعریف کسانی که برکت یافته‌اند، معرفی شده است.

همانطور که خواهیم دید، کسانی که سعادت‌مندند، کسانی هستند که حکمت آموخته‌اند، کسانی که آن نوع منشی را که مورد تأیید خداست، آموخته‌اند. آنها کسانی هستند که سعادت‌مند نامیده می‌شوند. آنها کسانی هستند که حکمت دارند، و حکمت در اینجا گران‌بهار از مروارید است.

او از نقره خواستی‌تر است. او به تو عمر طولانی می‌دهد. او درخت حیات است.

در آیه ۱۸، برای همه کسانی که او را درک می‌کنند، او [خدا] است، همه کسانی که او را می‌یابند، این تمام چیزی است که کسانی که خرد را می‌یابند، کسانی هستند که می‌توان آنها را سعادت‌مند توصیف کرد. این یک دسته بسیار خاص است. فقط در مورد خردمندان صدق می‌کند.

اینها کسانی هستند که ترس خداوند را می‌شناسند. دیگران برکت نیافته‌اند. فقط اینها کسانی هستند که برکت یافته‌اند.

پس چرا درخت حیات؟ می‌خواهم کمی به عقب برگردیم و در مورد این درخت حیات در کتاب مقدس فکر کنیم، زیرا در گذشته درخت حیات وجود داشته است. یک درخت حیات در آینده وجود دارد، اما یک درخت حیات در زمان حال وجود دارد و آن حکمت است. حال، درخت حیات در گذشته را که از پیدایش فصل ۲ می‌شناسیم، می‌شناسیم. خدا دو درخت در وسط باغ کشت، درخت حیات و درخت دانش.

حال، درخت حیات قرار بود همیشه به ما بگوید که خدا منبع حیات، تمام حیات است. جهان هستی سرشار از حیات است، اما حیات ذاتی جهان نیست. جهان هستی جدا از حیاتی که خدا به ما می‌دهد، صرفاً مواد معدنی است.

چیز دیگری نیست. حیاتی که خدا می‌دهد چیزی است که تمام جهان هستی را چیزی بیش از ماده و کانی می‌سازد، چه گیاهان، چه حیوانات و چه انسان‌ها. اما در باغ عدن برای انسان‌ها، همیشه باید یک یادآوری وجود می‌داشت.

زندگی چیزی نیست که ذاتاً در اختیار شما باشد یا بتوانید آن را کنترل کنید. زندگی چیزی است که از جانب خدا می‌آید، و همانطور که در مزمور ۱۰۴ می‌آموزیم، خدا نفس را به نفس یا ضریان قلب را به ضریان قلب عطا می‌کند. حال، همانطور که قبلاً اشاره کردیم، درخت دانش به عنوان دانش شناخت خوبی یا دانش همه چیز تعریف شده است.

و البته که ما این را نداریم. بنابراین، اگر بخواهیم به این درخت دانش چنگ بزنیم و همانطور که مار گفت سعی کنیم مانند خدا شویم و خوب و بد را بشناسیم، آن زمان است که به مسیر اشتباه خواهیم رفت. در آینده درخت حیاتی وجود دارد.

و البته، ما در مکاشفه در مورد آن می‌خوانیم، و این پایان تمام مکاشفه ماست که از جانب خدا می‌آید. و پایان تمام مکاشفه ما اساساً تحقق و تکمیل چیزی است که خدا آغاز کرد. و ما در مورد آن در مکاشفه فصل ۲۲ می‌خوانیم، جایی که رودخانه‌ای وجود دارد و در کنار رودخانه درخت زندگی است و میوه خود را برای هر ماه از سال می‌دهد.

به عبارت دیگر، مرگی وجود ندارد. زندگی پیوسته و قابل دسترسی است.

این درختی است که برای کسانی که خدا آنها را نجات داده، کسانی که به آنها حیات بخشیده و کسانی که لباس‌های شسته شده دارند، قابل دسترسی است. و این از کلمات حقیقت گرفته شده است، چیزی که یوحنا بارها و بارها بر آن تأکید می‌کند. بنابراین انکار این حقیقت، انکار دسترسی به درخت حیات است.

اما در زمان حال، ما یک سعادت داریم که در آنجا توصیف شده است، همانطور که آن را با کلمه عبری اشره، می‌بینید. این اولین کلمه آیه ۱۳ است. حال، این همچنین اولین کلمه مزمور فصل ۱ آیه ۱ است، جایی که می‌گوید، خوشا به حال کسی که در راه گناهکاران گام بر نمی‌دارد یا در جایگاه تمسخرگران نمی‌نشیند، بلکه لذت او در تعلیم خداوند است، کسی که در این مورد فکر می‌کند، در آن تأمل می‌کند، پیوسته ذهن او را هدایت می‌کند.

اشره چیست؟ این سعادت چه چیزی را توصیف می‌کند؟ یک شخصیت را توصیف می‌کند. نوعی از شخص را توصیف می‌کند، شخصی که از نشستن در جایگاه تمسخرگر اجتناب می‌کند، کسی که اغلب در امثال به او اشاره شده است، و کسی که تورات، آموزه‌های خدا را انتخاب می‌کند، تا زندگی‌اش، در واقع، زندگی او، پربار شود. این همان سعادت است.

و عیسی این کلمه را برای صحبت در مورد پادشاهی خود انتخاب می‌کند. چه نوع شخصی واجد شرایط بودن در پادشاهی او است؟ خب، او در ترجمه عبری مدرن عهد جدید از کلمه "متبرک" استفاده می‌کند. طبیعتاً کلمه‌ای که آنها استفاده می‌کردند اشیره بود.

makaras ما معادل دقیقی در یونانی نداریم، اما به خصوص در انگلیسی نداریم. بنابراین، در یونانی، به آن می‌گوییم، این توصیفاتی که عیسی در مورد اینکه این نوع makarisms می‌گویند، و ما گاهی اوقات به اینها شخص متبرک است، ارائه می‌دهد. و آنها چه کسانی هستند؟ فقیر در روح.

به عبارت دیگر، آنها فکر نمی‌کنند که به همه دانش‌ها دسترسی دارند و می‌توانند خودشان تصمیم بگیرند که چه چیزی خوب است. آنها سوگواری می‌کنند. چرا؟ زیرا می‌دانند که همیشه کار خوب را انجام نمی‌دهند.

آنها فروتن هستند زیرا مطیع هستند. آنها ترس خداوند را دارند. آنها تشنه عدالت هستند.

البته این چیزی است که امثال سلیمان توصیف می‌کند. بنابراین، این برکت این درخت است. اگر بتوانیم آن را درک کنیم، این درخت این برکت را به بار می‌آورد.

و همانطور که در امثال ۳ آیات ۱۹ و ۲۰ می‌بینیم، این حکمت است که ما را قادر می‌سازد جهان خدا را درک کنیم. خداوند با حکمت خود، پایه‌های جهان را بنا نهاد و آسمان‌ها را با فهم استوار ساخت. با دانش اوست که اعماق شکل گرفته‌اند و ابرها از بالا شب‌نم خود را می‌بارانند.

به عبارت دیگر، راز کل عملکرد نظم طبیعی که ما می‌شناسیم، بخشی از این نظم است که خود خدا آفریده است و می‌توان آن را حکمت توصیف کرد. چیزی که خدا برای نحوه زندگی مقرر کرده است. حال، این ایده‌ی درخت زندگی چیزی است که به نمادی از معنای دانستن تورات، نمادی از معنای پیروی از مسیر زندگی و پیروی از مسیر درستکاری تبدیل شده است.

و بنابراین، با یک منوره (شمعدانی که در معبد قرار دارد (نمادپردازی می‌شود. همانطور که در این عکس می‌بینید، منوره چراغی بود که در معبد قرار داشت. و چراغ معبد در واقع مجموعه‌ای از هفت چراغ بود.

و در مجموع هر هفت مورد، مایه حیات بود. و البته، وقتی آن را آنجا می‌بینید، چیزی شبیه به یک درخت به نظر می‌رسد. بنابراین در واقع این درخت نماد چیزی بود که یهودیان معتقد بودند به آن زندگی می‌بخشد.

همانطور که اکثر ما از تاریخ می‌دانیم، حدود سال ۷۰ پس از میلاد، تیتوس فاتح، ژنرال تیتوس، به اورشلیم آمد و آن را ویران کرد. و نتیجه این شد که زندگی در اورشلیم برای همه یهودیان ممنوع شد. آن شهر برای آنها ممنوع شد.

این راهی برای نابودی همیشگی جنبش مقاومت یهودیان بود. و به پاس قدردانی از این امر، تا به امروز طاق تیتوس در رم وجود دارد. و این البته یک ورودی است، نوعی ورودی نمادین که به منظور بزرگداشت پیروزی روم بر اورشلیم ساخته شد.

و آنچه قوم یهود و اورشلیم را بر روی این طاق به تصویر می‌کشد، یک شمعدان است که نمایانگر این درخت زندگی یا نمایانگر چیزی است که امثال سلیمان در اینجا آن را حکمت، حکمت دانستن چگونه زیستن می‌داند. بنابراین، ما گاهی اوقات فکر می‌کنیم که درخت زندگی را از دست داده‌ایم. خب، بله، چون ما انتخاب کرده‌ایم که مانند خدا باشیم، خوب و بد را بشناسیم، این یک واکنش جهانی است که در درون خود داریم.

ما دیگر به آن درخت حیات دسترسی نداریم، اما خداوند راهی برای رستگاری ما، شستن لباس‌هایمان و بازگرداندن ما به آن درخت حیات، همانطور که در کتاب مکاشفه می‌بینیم، پیدا کرده است. اما در عین حال، یک درخت حیات وجود دارد و همین جا یافت می‌شود. در آموزه‌های حکیمان یافت می‌شود که می‌گویند اگر در این مسیر بمانید، پایان زندگی خواهد بود.

اگر از آن مسیر منحرف شویم، پایانش مرگ است. همانطور که موسی گفت، من زندگی و مرگ را پیش روی شما قرار دادم.

این دکتر آگوست کانکل در تدریس خود در مورد کتاب امثال است. این جلسه شماره شش، حکمت به ۲۰-۳:۱۳ امثال است. عنوان درخت زندگی است.